

آسمانها محل ملائکه هستند

تفاوت آسمان و آسمانها از دیدگاه قرآن

فاطمه بابایی کیایی

سماوات
و
سماوات

اشاره

معلومات و توانایی فکری خویش، اوضاع آسمان و آسمانها را تشریح و تفسیر کرده و هر یک نظریه‌ای را ارائه و مطرح کرده‌اند، ولیکن در این باره اختلاف نظر دارند که آیا تنها یک آسمان وجود دارد و آن همین آسمان دنیاست که قابل رؤیت است.

اگر چنین است، پس مسائل مادی مرتبط با آسمان از جمله: رزق و روزی (حجر/ ۲۱، ذاریات/ ۲۲)، بارش باران (ق/ ۹) و اجرام آسمانی (اعراف/ ۵۴)، ستارگان (صافات/ ۶) و از سوی دیگر، مسائل فرا جسمانی مانند فرشتگان (زمر/ ۷۵، النجم/ ۲۶)، نزول وحی (شوری/ ۵۱)، استراق سمع شیاطین (حجر/ ۱۸، ملک/ ۵) و مانند آن، چگونه اتفاق می‌افتند؟

نخست به معنای آسمان در قرآن کریم می‌پردازیم و سپس با توجه به آیات غیب و شهادت و عدم وجود و تفکیک مسائل مادی و معنوی در آیات قرآن کریم، به تفاوت آسمان و آسمانها می‌پردازیم:

کلمه «سما» و مشتقات آن که ۳۱۰ بار در قرآن کریم به کار رفته است، مفهوم جامعی دارد که مصادیق و معانی متعددی از آن‌ها اراده می‌شود. در لغت، از ریشه «سمو» (به معنای بلند) است. و واژه «سما» آسمان در قرآن به صورت مفرد (السما- سما) و جمع (سماوات- السماوات)، ولی در همه موارد یک معنا و مصداق مورد نظر نیست. به‌طور کلی، آسمان در قرآن در دو مفهوم مادی (حسی) و معنوی، به کار رفته است.

در کتاب دینی و قرآن واژه آسمان و آسمانها تکرار زیاد دارد و البته دانش آموزان نیز درباره آن سؤالات متعددی دارند. امیدوارم مقاله حاضر پاسخ‌گوی دانش آموزان باشد. آسمان یکی از مخلوقات خداوند کریم است که آیات بسیاری در مفهوم و مراتب آن در آیات قرآن کریم بیان شده است.

«سما» و «سماوات»، دو واژه قرآنی و دارای ویژگی‌ها، صفات و قوانینی هستند. از آنجایی که هر شیئی در عالم خلقت، هم ظاهری دارد هم باطنی، ظاهر آن همان آسمان دنیاست و باطن آن بر ما نماند است. ولیکن برخی از آیات قرآن کریم نشان‌دهنده وجود آسمانها علاوه بر آسمان دنیاست. در این نوشتار می‌کوشیم با توجه به آرای مفسران، نظریه برتر را مورد تأمل قرار دهیم و تفاوت آسمان و آسمانها را بیان کنیم.

کلیدواژه‌ها: آسمان، آسمانها، سما، سماوات.

طرح مسئله

موضوع آسمان و آسمانها یکی از مطالب مهم در قرآن کریم است که از دیرباز مطرح بوده است، تاکنون مفسران گذشته و معاصر با استفاده از کتاب مقدس قرآن و بر پایه

علامه طباطبایی دربارهٔ آیهٔ شش صافات، این نظریه را بیان می‌کند: «مراد از آسمان، همان فضایی است که ستارگان در آن قرار دارند و آسمان دنیا یکی از آسمان‌های هفتگانه‌ای است که قرآن از آن نام برده است»

صفات و قوانین آسمان

● خلقت آسمان

آسمان در ابتدای خلقت به صورت دود، گاز بود و بعد از به وجود آمدن دخان به هفت آسمان تبدیل شد. اگر میان آسمان و آسمان‌ها تفاوتی نیست، پس چگونه خداوند متعال آیات بسیاری مبنی بر تفاوت این دو بیان فرموده است؟ مانند آیهٔ شریفه «ثم استوی إلى السماء و هی دخان فقال لها وللأرض ائتیا طوعا أو کرها قالتا أتینا طائعين... [فصلت/۱۱]: سپس بر آسمان که در آن هنگام دودی بود، بیرداخت...

و هم‌چنین، پیوستگی آسمان‌ها و زمین در این آیه نشان داده می‌شود:

أولم یر الذین کفروا أن السّماوات والأرض کانتا رقفا ففتقنا هما... [انبیا/۳۰].

این به هم پیوستگی آسمان و زمین، به آغاز خلقت اشاره دارد که بر اساس نظریه‌های دانشمندان، مجموعهٔ این جهان به صورت تودهٔ واحد عظیمی از بخار سوزان بود که بر اثر انفجارهای درونی و حرکت، به تدریج تجزیه شد و کواکب و

ستارگان از جمله منظومهٔ شمسی و کرهٔ زمین به وجود آمد و باز هم جهان در حال گسترش است.

شخصی دربارهٔ آیهٔ فوق از محضر امام صادق (ع) سؤال کرد که منظور از رتق و فتق آسمان و زمین چیست؟ امام پاسخ مفصّلی داده‌اند که به تفسیر آلوسی می‌توان مراجعه کرد.^۱ در آیات قرآن کریم، آیات خلقت آسمان در مقایسه با آیات خلقت آسمان‌ها، بسیار کمتر آمده است (جدول ۱).

● آسمان دنیا

آسمان در قرآن به معانی متعددی آمده است. یکی از آن معانی، آسمان دنیاست، یعنی همان آسمان نزدیک که به زینت ستارگان آراسته شده است و یکی از جلوه‌های زیبای طبیعت است و خداوند این آیات را نشانه‌ای از عظمت خویش می‌داند، همانند «نا زینا السماء الدّنیاء بزینة الكواکب» [صافات/۶؛ و موارد مشابه در فصلت/۱۲؛ الملک/۵].

فعل «زینا» از مادهٔ «زین» و به معنای آراستن و زیبا کردن است [زهری، ۱۳: ۲۵۵].

ردیف	واژهٔ قرآنی	سوره / آیه	متن آیه
۱	خلق... السماء	البقره/۲۹	هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعا ثم استوی إلى السماء...
۲	ثم استوی إلى السماء	فصلت/۱۱	ثم استوی الی السماء و هی دخان...
۳	خلقنا السماء	الانبیا/۱۶	و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما لاعبین



منظور از سماوات سبع، اجرام آسمانی یعنی ماه و خورشید نیست، بلکه اسکان ملائکه در آسمان‌هاست و درهای آسمان به روی کافران باز نمی‌شود و رزق و روزی انسان‌ها از لوح محفوظ و یا کتاب مبین خداوند نازل می‌شود

علامه طباطبایی درباره آیه فوق، این نظریه را بیان می‌کند: «مراد از آسمان، همان فضایی است که ستارگان در آن قرار دارند و آسمان دنیا یکی از آسمان‌های هفتگانه‌ای است که قرآن از آن نام برده است» [طباطبایی، ۱۷: ۳۶۹]. بانو امین در تفسیرش از بعضی عرفا نقل می‌کند که سماء اشاره دارد به سماء قلب که علو و برتری دارد بر جسد و زینت یافته به انوار الهی و معارف حقانی و ارادات رحمانی [بانوی اصفهانی، ۲۳/۱۴].

مصایب جمع مصباح و آن ستارگان‌اند. آن را مصایب نامیده است. برای این که مانند چراغ، روشنی دارد [طبرسی، ۱۰: ۴۸۵].

فخررازی در تفسیرش می‌نویسد: «با توجه به شفاف بودن آسمان، ستارگان چه در آسمان دنیا باشند چه در دیگر آسمان‌ها، در آسمان دنیا قابل دیدن هستند و در هر دو صورت، این آسمان دنیاست که با ستارگان تزیین شده است» [فخرالدین رازی، ۳۰: ۵۸۳].

● راه‌های آسمان

خداوند به آسمان که راه‌هایی دارد، قسم خورده و اهمیت آن را بیان کرده است: همانند: «و السَّمَاءُ ذَاتُ الْحَبْكِ»^۲. راغب واژه حبک را در این آیه، اشاره به راه‌هایی می‌داند که در آسمان وجود دارد [راغب اصفهانی، ۱: ۲۱۷].

این آیه صفت «حبک» را به آسمان نسبت داده است. لغت‌شناسان حبک را جمع حباک (یا حبیکه) به معنای «راه‌ها» (طرائق) یا طریقه ترجمه کرده‌اند و اصل این کلمه را «بستن و محکم کردن» دانسته‌اند [قرشی، ۲: ۹۹].

و از این اشارات لغوی می‌توان به‌طور کلی متوجه شد که سخن از پدیده‌ای است که هم متنوع (راه‌راه، لایه‌لایه، طیف‌گونه) است و هم استحکام و زیبایی در ذات آن نهفته است.

بانو امین درباره آیه شریفه می‌فرماید: حبک در لغت به معنی طریق و در مفردات «و السماء ذات الحبک هی ذات الطرائق» یعنی آسمان، صاحب راه‌هاست. سخنان مفسران در توجیه آیه چنین است: سوگند به آسمان‌ها که در آن راه‌های نیکوست و راه‌ها مانند طریقی است که روی دیگ با آب صاف کشیده شده و مانند حلقه‌های به هم پیوسته زره است [بانوی اصفهانی، ۱۳: ۳۰۴]: «و لقد خلقنا فوقکم سبع طرائق و ما كنا عن الخلق غافلین» [مؤمنون/۱۷]؛^۴

آسمان‌ها را «طرائق» نامیده، از این جهت که آسمان‌ها محل نازل شدن امر از ناحیه خدا به سوی زمین و نیز راه‌هایی

است که اعمال انسان در صعودش به سوی خدای سبحان^۵ و ملائکه در هیبوطشان و عروجشان [سجده/۵؛ طلاق/۱۲] طی می‌کنند.

حسن بصری، حبک را ستارگان فروزان آسمان می‌داند [آلوسی، ۱۴: ۵]. برخی از مفسران نیز همانند بیضاوی می‌نویسند: مراد از سماء، آسمان معنوی است و راه‌های آن همانند مسیرهایی است که انسان‌ها برای ادراک معارف طی می‌کنند [بیضاوی، ۵: ۱۷۹].

برخی نیز معتقدند که این راه‌ها ممکن است بر اثر شکل‌های گوناگون توده‌های ستارگان و اقلاک موجود بر صفحه آسمان یا بر اثر نقش‌ها و موج‌های ابرها پدید آمده باشد [طوسی، ۹: ۳۸۰؛ زمخشری ۴: ۳۹۶].

فخر رازی در تفسیر این آیه گفته است: «طرائق» به معنای طبقات روی هم چیده آسمان است و از باب «طرق نعل» به معنای طاقه‌های روی هم چیده کفش است [فخررازی، ۲۳: ۸۷].

● طبقات آسمان

«ألم تروا كيف خلق الله سبع سماوات طباقا» [نوح/۱۵]^۶ قرشی در احسن الحدیث درباره طباق بودن آسمان‌ها چنین می‌گوید: این آیه شریفه استدلالی است بر توحید و لزوم عبادت خدا. طباق به معنی شبیه یا بعضی بالای بعضی است [قرشی، ۱۱: ۳۶۰].

داستان هفتگانه بودن آسمان در کلام نوح(ع) آمده است و این دلالت دارد بر این که این موضوع از انبیا، از قدیم‌ترین زمان‌ها، رسیده است [مکارم شیرازی، ۲۵: ۷۵ و ۷۶].

با توجه به آیه ۲۹ بقره در تفسیر نمونه، مقصود از «سماوات سبع» همان معنی واقعی آسمان‌های هفتگانه است. تکرار این عبارت در آیات گوناگون قرآن نشان می‌دهد، عدد سبع اشاره به همان عدد مخصوص است. در آیه دیگری از قرآن، به موضوع

در تعبیر «السماء الدنيا» که
آسمان به صورت مفرد آمده
و به دنبال آن واژه دنیا ذکر
شده است، منظور از این
آسمان دنیا و نزدیک، آسمان
اول است که ستارگان و
دیگر اجرام سماوی در آن
شناور هستند



و آیه

«فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ

سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَ

أَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَ زَيَّنَّا

السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ... [فصلت/۱۲]

(پس آسمانها را هفت عدد قرارداد در دو روز

و امر هر آسمانی را در آن وحی کرد و ما آسمان دنیا

را به فانوسهایی زینت دادیم...) نیز به خلقت آسمانها

اشاره می کند.

در تفسیر المیزان درباره آیه فوق چنین آمده است: «خلقت

آسمانها در دو روز صورت گرفته است؛ البته نه به روزهای کره

زمین، بلکه در دو دوران و آفرینش آسمانها این موضوع را

می فهماند، قبل از آن که به صورت فعلی درآیند، یعنی از یکدیگر

جدا و متمایز شوند، یکپارچه بودند. و روز به معنای مقدار معینی

از زمان تفسیر شده است» [طباطبایی، ۱۰: ۱۵۱ و ۱۵۰].

خلقت آسمان و آسمانها ناگهانی نبوده، بلکه از چیزی

خلق شده است که قبلاً وجود داشته و آن، مادهای متشابه الاجزا

و روی هم انباشته بوده که خدای تعالی این ماده متراکم را

جزء جزء و اجزای آن را از یکدیگر جدا ساخت؛ از قسمتی از آن

در دو برهه از زمان زمین ساخت و سپس به آسمان که در آن

زمان دود بود، پرداخت و آن را نیز جزء جزء کرد و در دو برهه از

زمان، به صورت هفت آسمان درآورد. یا به عبارت دیگر، منظور

از دو روز در آفرینش آسمان، دو مرحله خلقت است: در یک

مرحله به صورت گاز یا دود (دخان) و مرحله بعدی به صورت

آسمان هفتگانه [مصباح یزدی، ص ۲۴۳].

طباق بودن آسمانها اشاره می کند:

«الذی خلق سبع سماوات طباقاً ما تری فی خلق الرحمن

من تفاوت فارغ البصر هل تری من فطور» [ملک/۳].^۲

طبقات آسمان در واقع به تعداد آسمانها از دیدگاه قرآن

کریم اشاره می کند که با واژههای سبع سماوات و سبع طرائق

و سبعاً شداداً، به هفتگانه بودن آن تصریح شده است. چنانچه

طباق بودن آسمانها موجود نبود، در قرآن به آن پرداخته

نمی شد. در جای دیگر می فرماید: «و بنینا فوقکم سبعاً شداداً»

[نبا/۱۲].^۳

قرآن می فرماید: بر بالای سر شما هفت آسمان محکم بنیان

نهادیم که قابل پارگی و از بین رفتن نیست. شداد جمع شدید از

ماده شدت به معنای محکم و صعوبت و دشواری است.^۴

● رزق و عذاب از آسمان

رزق، عطا و بخشش مستمر خداوند به موجودات است

[هود/۶] و این نزول و نعمت بزرگ، توسط خداوند به وسیله

اسبایی به عالم پایین فرستاده می شود و مفهوم آن تنها در

نیازهای مادی خلاصه نمی شود، بلکه هرگونه عطای مادی

و معنوی را شامل می گردد. با توجه به آیه ۲۲ سوره شریفه

ذاریات، وعدههای خداوند هم شامل عذاب و هم شامل نعمت

و ثواب است.

همچنین، خداوند آب را نیز از آسمان نازل می کند که

با تعبیری چون «و انزلنا من السماء ماء» در آیات قرآن دیده

می شود. در هیچ آیه ای از آیات قرآن کریم «و انزلنا من السماوات

ماء» بیان نشده است [ق/۹؛ ابراهیم/۳۲؛ طه/۵۲؛ فرقان/۴۸].

صفات و قوانین آسمانها

خلقت آسمانها

خداوند آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و آسمان دنیا

را به کواکب زینت بخشید و شش آسمان دیگر، بالای این آسمان

قرار دارند که خداوند نسبت به چگونگی آنان خبر نداده است.

ملائکة
علماء انسانی و مطالعات قرآنی

آسمانها به نحوی قرارگاه ملائکه هستند [سبا/۲۳] و

ملائکه نوعی تعلق به آسمانها دارند و جنس ملائکه از نور

است. و آنان موجوداتی فوق مادی و فوق جسمانی اند، دارای

مقامات و منازل هستند که تابع امر خداوند و حاصل امر اویند.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه «فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ

سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَ أَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا... [فصلت/۱۲]

چنین می نویسد: «امر خدا نسبت به ملائکه به دو صورت است:

یکی نسبت به تک تک آسمانها دارد، به دلیل ملائکه ای که

در آن ساکن هستند. و نسبت دیگر، به گروههای ملائکه دارد،

به دلیل آن که حامل امر پروردگارند. و خداوند متعال امر را به

ملائکه وحی کرده است. به عبارت دیگر، خداوند امر را به آنان

تحمیل کرده است.

در آیه شریفه «أَتَمَّا قَوْلِنَا لشيءٍ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ

فَيَكُونُ» [نحل/۴۰] امر خداوند را قول خوانده است. و آیه را

چنین معنا کرده است: خدای سبحان در هر آسمانی امر الهی را



از آسمانی که مسکن فرشتگان است، جهانی ملکوتی است و منظور از آیات مذکور، این است که هرگاه شیاطین برای شنیدن سخنان فرشتگان، به آن عالم ملکوتی نزدیک شوند تا اسرار هستی و حوادث آینده را کشف کنند، با نور ملکوت که شیاطین تحمل آن را ندارند، رانده می‌شوند. مفسرانی چون علامه طباطبایی در المیزان و طنطاوی در تفسیر الجواهر، تعبیرات آیات مربوط به استراق سمع شیاطین و جنیان را تشبیه و کنایه دانسته و آسمان را عالم ملکوت گرفته و بیشتر آن را بر امور معنوی حمل کرده‌اند.

که متعلق به آن آسمان است، به اهلس یعنی ملائکه ساکن در آن وحی می‌کند [طباطبایی، ۱۲: ۲۴۸].

استراق سمع شیاطین

آسمان عبارت است از افلاکی که محیط به زمین هستند و جماعت‌هایی از ملائکه در آن افلاک منزل دارند و آن افلاک در و دیواری دارند که هیچ چیز نمی‌تواند وارد آن شود، مگر چیزهایی که از خود آسمان باشد. مراد از آسمانی که ملائکه در آن منزل دارند، عالمی ملکوتی خواهد بود که افقی عالی‌تر از افق عالم ملک دارد؛ همان‌طور که آسمان بالای ما با اجرامی که در آن هست، عالی‌تر و بلندتر از زمین ماست. طنطاوی می‌نویسد: انس و جن همواره خواستار کشف مجهولات عالم، اعم از زمینی و آسمانی بوده و هستند و کشف اسرار عالم بالا مانند کشف اسرار عالم ظاهر بدون مقدمات امکان‌پذیر نیست. و آن ارتقای روح انسانی و روح جنی است، سپس اگر جن و انس بدون تهیه اسباب مناسب برای کشف اسرار عالم فرشتگان، دست به کار شوند، هیچ‌گاه به نتیجه نخواهند رسید و این آیه شکست شیاطین را بیان می‌کند تا عبرتی برای انسان‌ها باشد [طنطاوی، ۸: ۱۲].

دیدگاه‌های تفسیری برگزیده

علامه طباطبایی درباره آسمان‌های هفتگانه و آسمان غیرجسمانی و معنوی چنین می‌گوید: با توجه به آیه شریفه «یدبر الامر من السماء الی الارض ثم یرج الیه فی یوم کان مقداره الف سنة مما تعدون» [سجده/۵] مراد از سماء، مقام قرب و حضور است، نه به معنای جهت بالا و یا ناحیه‌ای از نواحی عالم جسمانی.

سپس می‌فرماید: به سوی او عروج می‌کند «ثم یرج الیه». عروج از همان طریقی است که از آن نازل شده است و تدبیر موطن زمین از آسمان صورت می‌پذیرد [طباطبایی، ۱۶: ۲۴۸ و ۲۴۷].

منظور از سماوات سبع، اجرام آسمانی یعنی ماه و خورشید نیست، بلکه ساکن ملائکه در آسمان‌هاست و درهای آسمان به روی کافران باز نمی‌شود و رزق و روزی انسان‌ها از لوح محفوظ و یا کتاب مبین خداوند نازل می‌شود و به عبارتی، رزق بشر از آسمان است. همه این‌ها به نوعی به آسمان‌های هفتگانه تعلق دارند.

«... و جعلناها رجوما للشیاطین... [ملک/۵]! و قرار دادیم آن‌ها را جهت راندن شیطان‌هایی که استراق سمع می‌کنند. و جایی گوید: از ستارگان جرقه‌ها جدا می‌شود که شیاطین را رجم می‌کند و اما خود ستارگان تا خدا نخواهد فنای آن‌ها را، از بین نمی‌روند [طبرسی، ۱۰: ۴۸۵].

ستارگان هم چراغ آسمان‌اند و هم رجم‌کننده شیاطین [قرشی، ۱۱: ۲۵۵].

هم‌چنین، ایشان در تفسیر آیه شریفه ۱۲ فصلت به انتقال امر از آسمانی به آسمان دیگر اشاره می‌کند و در تفسیر آیه شریفه ۱۷ مؤمنون، به راه‌های آسمانی اشاره دارد برای سلوک امر از ناحیه خدای صاحب عرش، و یا به رفت‌وآمد ملائکه‌ای که حامل امر اویند، اشاره می‌کند [همان، ۱۷: ۳۶۸].

خدای تعالی ستارگان را برای سه چیز خلق فرمود: زینت آسمان، رجوم شیاطین، هدایت و راهنمایی در بر و بحر [حسین شاه عبدالعظیمی، ۱۳: ۲۴۱ - ۲۴۰].

مطهری در کتاب آشنایی با قرآن، هفت آسمان را چنین مطرح می‌نماید: اجمالاً دو نظریه اصلی درباره حقیقت هفت آسمان و هفت زمین وجود دارد:

مراد از کواکب که آسمان را زینت داده، تمامی ستارگان آسمان است. چون ثوابت و سیارات هر یک در مدار خود قرار دارد و نمی‌تواند منظور از رجوم باشد [طباطبایی، ۱۹: ۳۵۱].

۱. آن‌ها مادی و جسمانی هستند.

یعنی ما قرار دادیم با ستارگان رجم‌هایی برای شیطان‌ها، و عذاب آتش سوزان را در آخرت مهیا کردیم. این کلام دلیل است بر آن که شیاطین مکلفاند [طوسی، ۱۰: ۴۸۵].

۲. آن‌ها مجرد و معنوی هستند.

بعضی فرضیه‌ای دارند که اساساً هفت آسمانی که در قرآن هست، جنبه جسمانی ندارد، معنوی و باطنی محض است. در اصطلاح آسمان‌های هفتگانه، نظر به همین آسمان‌های مافوق ستاره‌ها نیست، نظر به عوالم باطن انسان است.

تفسیر قرآنی درباره استراق سمع شیاطین و رجم شیاطین کردن ملائکه و یا ستارگان از آسمان، این‌گونه ممکن است از باب مثل باشد که در آن، حقایق خارج از حس، به صورت محسوس بیان شده تا برای انسان‌ها قابل فهم باشد و مقصود

ولی به نظر ما گرچه این مطلب در جای خود درست

است، نمی‌شود گفت که قرآن به هفت آسمانی که جنبه جسمانی دارد، قائل نیست؛ به این هم قطعاً قائل است. با توجه به آیات قرآن، این احتمال که هفت آسمان و هفت زمین معنوی و مجرد هستند، دقیق‌تر به نظر می‌رسد. زیرا آیات اشاره دارند که آسمان‌ها محل حاملان الهی، یعنی ملائکه هستند و ملائکه مجرد و غیرمادی هستند و محل آن‌ها نیز باید غیرمادی و مجرد باشد. [مطهری، ۲۷: ۵۱۳ و ۵۱۲].

نتایج

مفسران و اندیشمندان معاصر اقوال متفاوتی درباره موضوع هفت آسمان ارائه کرده‌اند که از میان آن‌ها دو قول به حقیقت نزدیک‌تر است:

مطهری در کتاب آشنایی با قرآن و علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسند: «اجمالاً دو نظریه اصلی درباره حقیقت هفت آسمان و هفت زمین وجود دارد: آن‌ها مادی و جسمانی و مجرد و معنوی هستند.

با توجه به آیات قرآن، این احتمال که هفت آسمان معنوی و مجرد هستند، دقیق‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا آیات اشاره دارند که آسمان‌ها محل حاملان الهی یعنی ملائکه هستند و ملائکه مجرد و غیرمادی هستند و محل آن‌ها نیز باید غیرمادی و مجرد باشد.

در تعبیر «السماء الدنيا» که آسمان به صورت مفرد آمده و به دنبال آن واژه دنیا ذکر شده است، منظور از این آسمان دنیا و نزدیک، آسمان اول است که ستارگان و دیگر اجرام سماوی در آن شناور هستند و این نشان از عظمت پروردگار است.

و نیز اشاره دارد به این که هر شیئی در این عالم ظاهر و باطنی دارد که بسیاری از عرفا و عالمان دینی از ظاهر آن به باطن آن دست یافته‌اند و برخی دیگر از مفسران و اندیشمندان تنها به ظاهر آن بسنده کرده‌اند و قدم از آن فراتر نگذاشته‌اند. لیکن با توجه به آیات شریف قرآن کریم، خداوند هر دو آسمان را به وجود آورد.

پی‌نوشت

۱. یا آنان که کافر شدند نمی‌بینند که آسمان‌ها و زمین به هم بسته بودند و ما آن‌ها را از هم جدا ساختیم و هر شیء زنده‌ای را از آب آفریدیم، پس آیا ایمان نمی‌آورند؟
۲. رک: عروسی حویزی، نورالثقلین، ۳/ ۴۲۵-۴۲۴.
۳. به آسمان آراسته سوگند.
۴. همانا بالای سر شما (ساکنان زمین) هفت آسمان خلق کردیم و هرگز از (توجه به) خلق غافل نبوده‌ایم.
۵. ... إلیه یصعد الکلیم الطیب و العمل الصالح یرفعه... (فاطر/ ۱۰).
۶. آیا ندیدید که خدا هفت آسمان را خلق کرده؟
۷. «آن خدایی که هفت طبقه آسمان را آفرید. تو در خلق رحمان هیچ تفاوتی نمی‌بینی، به دقت نظر کن، آیا هیچ فطور و اختلالی در نظام عالم به چشم می‌خورد؟»

۸. بر فراز آن‌ها هفت آسمان محکم بنا کردیم.

۹. با توجه به آیه ثم یأتی من بعد ذلك سبع شداد یألکن ما قدمتم لهن الا قليلاً مما تحصنون ایوسف/ ۴۸.

۱۰. «قول ما درباره هر چیزی که اراده‌اش کنیم این است که بگوییم باش.»

۱۱. ما آسمان پایین (نزدیک) را با چراغ‌های فروزانی زینت بخشیدیم، و آن‌ها اَشهاب‌ها را تیرهایی برای شیاطین قرار دادیم، و برای آنان عذاب آتش فروزان فراهم ساختیم!

منابع

۱. قرآن کریم
۲. آلوسی، محمود. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. دارالکتب العلمیه. بیروت. ۱۴۱۵ق.
۳. ابن عربی، ابو عبدالله محیی‌الدین محمد. تفسیر ابن عربی. بیروت. دار احیاء التراث العربی. ۱۴۲۲ق.
۴. ازهری، منصور محمد بن احمد. معجم تهذیب اللغة. دارالمعرفه. بیروت. ۱۴۲۲ق.
۵. امین نصرت، بانوی اصفهانی. مخزن العرفان در تفسیر قرآن. نهضت زنان مسلمان. تهران. ۱۳۶۱ش.
۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر. انوار التنزیل و اسرار التأویل. دار احیاء التراث العربی. بیروت. ۱۴۱۸ق.
۷. جوادی آملی، عبدالله. تسنیم. نشر اسراء. ۱۳۷۹ش.
۸. راغب اصفهانی. مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن. مکتبه المر تفضوی. ۱۳۶۲ش.
۹. زمخشری، محمود. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. دارالکتب العربی. بیروت. ۱۴۰۷ق.
۱۰. صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم. تفسیر القرآن الکریم (صدر). انتشارات بیدار. قم. ۱۳۶۶ق.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. قم. ۱۴۱۷ق.
۱۲. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. انتشارات ناصر خسرو. تهران. ۱۳۷۳ش.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن. التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت. دار احیاء التراث العربی. بی‌تا.
۱۴. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. تفسیر نورالثقلین. انتشارات اسماعیلیان. قم. ۱۴۱۵ق.
۱۵. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. مفاتیح الغیب. دار احیاء التراث العربی. بیروت. ۱۴۲۰ق.
۱۶. قرشی، علی اکبر. قاموس قرآن. دارالکتب الاسلامیه. تهران. ۱۳۷۱ش.
۱۷. گنابادی، سلطان محمد. تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد. بیروت. موسسه الاعلمی للمطبوعات. ۱۴۰۸ق.
۱۸. محمدفؤاد، عبدالباقی. المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم. اندیشه اسلامی. ۱۳۸۶ش.
۱۹. مطهری، مرتضی. مجموعه آثار شهید مطهری. انتشارات صدرا. ۱۳۸۵ش.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. دارالکتب الاسلامیه. تهران. ۱۳۷۴ش.
۲۱. نکونام، جعفر. «معناشناسی سموات». پژوهش دینی. ش نهم. بهار ۱۳۸۴.